

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْغَيَةِ، مَشْهَأُ لَيْثٍ وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ، يَحْذَرُهَا الرَّجَالُ ذَوِي الْعُقُولِ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصِّبْيَانُ بِأَيْدِيهِمْ.

مَثَلُ دنیا همانند مار است که پوست ظاهر آن نرم و لطیف و خوشرنگ؛ ولی در درون آن سمّ کشنده ای است که مردان عاقل و هشیار از آن گریزانند و بچه صفتان و بولهوسان به آن عشق می ورزند.
تحف العقول؛ ص ۲۹۲



سعادت و کمال حقیقی جز با گذر از تنگناهای نفسانیت و رسیدن به قله بلند معنویت، امکان‌پذیر نیست و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، این راه را با سربلندی طی کردند. القاب این بانوی گران‌قدر عبارت است از: معصومه، کریمه اهل بیت، طاهره، حمیده، بره، رشیده، تقیه، رضیه و مرضیه. همه این القاب بر اثر سلوک و مقام والای معنوی، به ایشان نسبت داده شده است. به‌طور مسلم یکی از راه‌های تحصیل معرفت به اولیاءالله، تأمل و مطالعه در شرح حال و سیره و زندگانی آنان و نیز ذکر مقامات معنوی و فضایل اخلاقی و مناقب، مانند: معجزات و کرامات آنان است.

صاحب «ناسخ التواریخ» می‌گوید: ... حضرت ولیةالله تعالی و صفیه‌خاتون خلق

- زیارت حضرت معصومه علیها السلام**

معادل زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

مرحوم آیت‌الله سید‌المحمود مرعشی نجفی، پدر آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی علیهما السلام بسیار علاقه‌مند بود که محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به دست آورد. ختم مجزیی انتخاب کرد و چهل شب به آن پرداخت. شب چهارم پس از به پایان رساندن ختم و توسل بسیار، استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت امام صادق علیه السلام مشرف شد. امام به ایشان فرمودند: «عَلَيْكَ بِكَرْمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ»؛ یعنی به دامان کریمه اهل‌بیت علیهم السلام چنگ بزن.

ایشان به‌گمان اینکه منظور امام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، عرض کرد: قربانت گردم، من این ختم قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن‌حضرت گرفتم تا بهتر به زیارتش مشرف شوم. امام فرمود: منظور من، قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام در قم است.

سپس افزود: به‌دلیل مصالحی خداوند می‌خواهد، محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پنهان بماند؛ ازاین‌رو قبر حضرت معصومه را تجلی‌گاه قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است. اگر قرار بود، قبر آن‌حضرت ظاهر باشد و جلال و جبروتی برای آن مقدّر بود، خداوند همان جلال و جبروت را به قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام داده است. آیت‌الله مرعشی نجفی علیه السلام هنگامی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت به‌قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام رهسپار ایران شود و بی‌درنگ همراه خانواده‌اش نجف اشرف را به‌قصد زیارت کریمه اهل‌بیت علیهم السلام ترک کرد. (منبع: آئینه عصمت، آیت‌الله ضیاءالدین نجفی)

- شفای طلبه جوان نجخوانی**

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی می‌فرماید: بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوری‌های مسلمان‌نشین (و از آن جمله جمهوری نخجوان) مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند، که عده‌ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند. مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین (سیصد نفر داوطلب) پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع‌ترین آن‌ها بودند برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند. در این میان جوانی – که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود – با اصرار فراوان پدر ایشان، مسؤل مربوطه ناچار از قبول ایشان شد. ولی هنگام فیلم‌برداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی، مسؤل فیلم‌برداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته‌ای از آن را به نمایش گذاشت. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می‌شود.

وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسل به حضرت می‌شود، و در همان حال خوابش می‌برد. در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می‌بیند چشمش سالم و بی‌عیب است.

اگر قلوب مطلع شوند که این عالم دنیا، پست ترین عوالم است و دار فنا و زوال و تصرم و تغیر است و عالم هلاک و نقص است و عوالم دیگر که بعد از موت است، هر یک باقی و ابدی و دار کمال و ثبات و حیات و بهجت و سرور است، فطرتاً حب آن عالم را پیدا می‌کنند و از این عالم گریزان گردند.

شرح چهل حدیث، ص ۱۲۲

شیخ حسینعلی را می‌نمایند. (منبع: فروغی از کوثر، نشر زائر، ص ۵۶ و ۵۷)

- توسل به حضرت معصومه علیها السلام**

برای عذرخواهی از یک طلبه بیمار

آیت‌الله ابوطالب تجلیل علیه السلام می‌گوید: در زمان آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه السلام بود. روزی در بین راه منزل، طلبه‌ای مضطرب پیش من آمد.

نسخه‌ای در دست داشت. گفت: مریض هستم، دکتر رفته‌ام. برای پول نسخه که حدود هفت تومان می‌شد، مانده‌ام. از من کمک خواست؛ چون برایم مقدور نبود، معذرت‌خواهی کردم.

بعد از آنکه از او جدا شدم، به‌شدت پشیمان شدم که چرا او را به کس دیگری که بتواند، نیازش را برطرف سازد، معرفی نکردم. این کار که از من ساخته بود. فوراً به دنبال او به راه افتادم و همه جا گشتم؛ ولی او را نیافتم. وجدانم آرام می‌اد که چرا یک طلبه مریض نیازمند را این‌گونه از خودم دور کرده‌ام؛ هرچه زمان می‌گذشت و از پیدا کردن او ناامیدتر می‌شدم، بیشتر ناراحت می‌شدم و چنان شده بود که دائم فکر مرا به خود مشغول کرده بود. تا آنکه شبی بعد از پایان جلسه، استفتاء‌آیت‌الله مرعشی علیه السلام به‌هنگام مراجعت به منزل، وارد صحن مطهر که شدم، مقابل ایوان آینه ایستادم و عرضه داشتم: بی‌بی! من این گم‌شده را از تو می‌خواهم! همین امشب هم باید او را پیدا کنم. من خیلی در زنجم. مشکل دیگری که داشتم، این بود که آن آقا را من یک بار بیشتر ندیده بودم، چه‌بسا اگر هم می‌دیدم، شناختنش برایم مشکل بود.

در هر صورت به سمت منزل به راه افتادم. اول خیابان دارالشفا که رسیدم، با اینکه مسیر اصلی من نبود، مثل اینکه به من الهام شد، امشب از این مسیر بروم. وسط خیابان که رسیدم، طلبه‌ای را دیدم که جلوی مسافرخانه‌ای ایستاده است. با او احوال‌پرسی کردم. معلوم شد، این مسافرخانه را آیت‌الله بروجردی به‌خاطر کمبود جا برای سکونت طلبه‌ها اجاره کرده‌اند. به‌عنوان دیدن، وارد مسافرخانه شدم. از اولین اتاق که در آن باز بود، ناگهان چشمم به طلبه‌ای افتاد که وسط اتاق نشسته بود تا او را دیدم، یقین کردم که همان گم‌شده من است. جلو رفتم و او را در آغوش گرفتم و از آن نگرانی و ناراحتی چندروزه به این سرعت رهایی یافتم و این نبود، جز همان توسلی که به آن‌حضرت پیدا کردم. (منبع: فرهنگ کوثر، فوربدین ۱۳۷۷، شماره ۱۳)

ایشان در زیارتگاه شیخان، از گذشته مورد احترام ویژه مردم قم بوده است. (منبع: مردان علم در میدان عمل، ج ۳، ص ۲۵)

- حریم آخت‌الرضا، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام**

آیت‌الله‌العظمی اراکی علیه السلام نقل می‌کنند: آقای حاج شیخ حسنعلی تهرانی علیه السلام، جد مادری آقای مروارید و از علمای بزرگ و شاگردان فاضل میرزای شیرازی علیه السلام است که حدود پنجاه سال در نجف اشرف اشتغال به تحصیل داشته است. این اواخر آمده بود مشهد مقدس و آنجا ساکن شده بود. ایشان برادر تاجری به‌نام حاج حسینعلی شال‌فروش داشت که در تمام مدتی که حاج شیخ مشغول به تحصیل بود، ماهی پنجاه تومان برایش می‌فرستاد. ایشان فوت می‌کند، جنازه‌اش را به قم می‌آورند و دفن می‌کنند. وقتی خبر فوت او را به برادرش در مشهد می‌دهند، حاج شیخ به حرم امام رضا علیه السلام مشرف می‌شود و عرض می‌کند: یابن رسول‌الله! برادرم به من فراوان خدمت نموده است و من نتوانسته‌ام، هیچ‌یک از خدمات او را جبران نمایم، جز همین آلّ که به حضور شما مشرف شده‌ام؛ خواهمش می‌کنم، از خواهرت معصومه علیها السلام بخواه، برادرم را که اکنون در حریم او مدفون است، مورد عنایت قراردهد. همان شب، یکی از مؤمنین خواب می‌بیند، به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده به او می‌گوید: حضرت امام رضا علیه السلام به قم آمده‌اند تا اینکه سفارش برادر حاج شیخ حسینعلی را به خواهرش بنمایاد.

او که از جریان مطلع نبوده، معنی خوابش را نمی‌فهمد. تا آنکه خواب را برای حاج شیخ نقل می‌کند. ایشان می‌فرماید: خواب شما درست است. همان شب من به حرم حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم و به آن‌حضرت متوسل شدم و چنین خواهشی کردم. مرحوم سید محمدتقی خوانساری وقتی این خواب را شنیدند، فرمودند: معلوم می‌شود، قم حرم حضرت معصومه علیها السلام است و حضرت رضا علیه السلام در اینجا مستقیم در کاری دخالت نمی‌کند؛ به قم تشریف فرما می‌شوند و به خواهر سفارش برادر حاج



و بعد از شفا یافتن به مدرسه برمی‌گردد، دوستان او با

مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و ساعت‌ها مشغول دعا و توسل می‌شوند. وقتی این خبر به نخجوان می‌رسد

آن‌ها مصرا نه خواهان این می‌شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلاhti چشمش به آن جا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمان گردد. (ضبط صوتی، تصویری این کرامت به نقل حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در واحد فرهنگی آستانه موجود است.)

- راه‌گشای مشکلات فلسفی‌ام**

آیت‌الله العظمی جوادی آملی می‌فرمایند: اگر انسان کتابی و یا مطلب علمی را در شهری که از نظر آب و هوا و موقعیت اقلیمی از قم بهتر است، مطالعه کند؛ بعد عین همان کتاب و یا مطلب را در جوار رحمت بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم مطالعه کند، می‌بیند که برکات دیگری نصیب انسان می‌شود و حقایق بالذری برای انسان کشف می‌گردد. این حقیقت برای جناب صدرالمتألهین نیز پیش آمده است؛ زیرا ایشان، هنگامی که در کهک زندگی می‌کرد، برای عرض ادب و توسل به بارگاه کریمه اهل‌بیت فاطمه معصومه علیها السلام مشرف می‌شد. در یکی از این سفرها در جوار قبر فاطمه معصومه علیها السلام یک مسأله مهم و پیچیده فلسفی یعنی اتحاد عاقل و معقول در یک مکاشفه عرفانی، برایش حل شد. او خود در این زمینه می‌گوید:

«مسأله اتحاد عاقل و معقول از مشکل‌ترین مسائل فلسفی است که تاکنون هیچ فیلسوف مسلمانی توفیق حل آن را پیدا نکرده است. من با توجه کامل به سوی خدای سبحان از او خواستم که مشکل برایم حل شود. دری از رحمت حق بر من گشوده شد و در این مورد، معرفت جدیدی برایم حاصل شد. «کنت حين تسويد هذا المقام بکھک من قری قم، فجئت الی قم زائراً لبنت موسی بن جعفر علیه السلام مستمداً منها وکان يوم الجمعة فانتکشف لی هذا الامر؛ هنگام نوشتن این بحث من درقریه کهک قم بودم. از آنجا رهسپار قم شدم، به زیارت دختر موسی بن جعفر علیه السلام مشرف گردیدم و از آن‌حضرت در حل این مسأله یاری جستم. به‌برکت او در روز جمعه این مطلب بر من کشف گردید.» (منبع: آیت‌الله جوادی آملی، مجموعه سخنان و حکمت‌ها)

- شفاعت همه شیعیان**

محدث قمی نقل می‌کند: در عالم رؤیا مرحوم میرزای قمی اعلی‌الله مقامه الشریف را دیدم و از ایشان سؤال کردم: آیا اهل قم را حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شفاعت خواهند کرد؟ میرزا چون این سخن را شنید، ناراحت شد و نگاه‌تندی به من کرد و فرمود: چه گفتی؟ من دوباره سؤال را تکرار کردم، باز با تندی به من فرمود: شیخ، تو چرا چنین سؤالی می‌کنی؟! شفاعت اهل قم با من است! حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تمام شیعیان جهان را شفاعت خواهند کرد.

گفتنی است مرحوم میرزای قمی دانشمند بزرگ شیعه، نویسنده کتاب قوانین‌الاصول از کتب مشهور اصولی است و علمای بزرگی چون شیخ انصاری بر آن شرح زده‌اند. مزار

شهید مرتضی مطهری علیه السلام

اگر قلوب مطلع شوند که این عالم دنیا، پست ترین عوالم است و دار فنا و زوال و تصرم و تغیر است و عالم هلاک و نقص است و عوالم دیگر که بعد از موت است، هر یک باقی و ابدی و دار کمال و ثبات و حیات و بهجت و سرور است، فطرتاً حب آن عالم را پیدا می‌کنند و از این عالم گریزان گردند.

شرح چهل حدیث، ص ۱۲۲

شیخ حسینعلی را می‌نمایند. (منبع: فروغی از کوثر، نشر زائر، ص ۵۶ و ۵۷)

- توسل به حضرت معصومه علیها السلام**

برای عذرخواهی از یک طلبه بیمار

آیت‌الله ابوطالب تجلیل علیه السلام می‌گوید: در زمان آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه السلام بود. روزی در بین راه منزل، طلبه‌ای مضطرب پیش من آمد.

نسخه‌ای در دست داشت. گفت: مریض هستم، دکتر رفته‌ام. برای پول نسخه که حدود هفت تومان می‌شد، مانده‌ام. از من کمک خواست؛ چون برایم مقدور نبود، معذرت‌خواهی کردم.

بعد از آنکه از او جدا شدم، به‌شدت پشیمان شدم که چرا او را به کس دیگری که بتواند، نیازش را برطرف سازد، معرفی نکردم. این کار که از من ساخته بود. فوراً به دنبال او به راه افتادم و همه جا گشتم؛ ولی او را نیافتم. وجدانم آرام می‌اد که چرا یک طلبه مریض نیازمند را این‌گونه از خودم دور کرده‌ام؛ هرچه زمان می‌گذشت و از پیدا کردن او ناامیدتر می‌شدم، بیشتر ناراحت می‌شدم و چنان شده بود که دائم فکر مرا به خود مشغول کرده بود. تا آنکه شبی بعد از پایان جلسه، استفتاء‌آیت‌الله مرعشی علیه السلام به‌هنگام مراجعت به منزل، وارد صحن مطهر که شدم، مقابل ایوان آینه ایستادم و عرضه داشتم: بی‌بی! من این گم‌شده را از تو می‌خواهم! همین امشب هم باید او را پیدا کنم. من خیلی در زنجم. مشکل دیگری که داشتم، این بود که آن آقا را من یک بار بیشتر ندیده بودم، چه‌بسا اگر هم می‌دیدم، شناختنش برایم مشکل بود.

در هر صورت به سمت منزل به راه افتادم. اول خیابان دارالشفا که رسیدم، با اینکه مسیر اصلی من نبود، مثل اینکه به من الهام شد، امشب از این مسیر بروم. وسط خیابان که رسیدم، طلبه‌ای را دیدم که جلوی مسافرخانه‌ای ایستاده است. با او احوال‌پرسی کردم. معلوم شد، این مسافرخانه را آیت‌الله بروجردی به‌خاطر کمبود جا برای سکونت طلبه‌ها اجاره کرده‌اند. به‌عنوان دیدن، وارد مسافرخانه شدم. از اولین اتاق که در آن باز بود، ناگهان چشمم به طلبه‌ای افتاد که وسط اتاق نشسته بود تا او را دیدم، یقین کردم که همان گم‌شده من است. جلو رفتم و او را در آغوش گرفتم و از آن نگرانی و ناراحتی چندروزه به این سرعت رهایی یافتم و این نبود، جز همان توسلی که به آن‌حضرت پیدا کردم. (منبع: فرهنگ کوثر، فوربدین ۱۳۷۷، شماره ۱۳)

- عنایت حضرت معصومه علیها السلام در فهم قرآن**

آیت‌الله‌العظمی فاضل علیه السلام: من هر وقت به این آیه شریفه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب، ۳۴) که به آیه تطهیر معروف است، برمی‌خوردم، این سؤال در ذهنم می‌آمد که اگر این آیه مخصوص اهل‌بیت پیامبر علیه السلام است، به همسران آن‌حضرت ارتباطی ندارد؛ این مطلب سال‌ها ذهن مرا مشغول کرده بود و به‌صورت یک مشکل علمی درآمده بود تا آنکه متوسل به حضرت معصومه علیها السلام شدم و به‌لطف الهی و عنایت آن‌حضرت، این مشکل حل شد؛ به‌گونه‌ای که با همکاری جناب آقای شهاب‌الدین اشراقی، داماد حضرت امام که هم‌باحثه ما بود، کتابی علمی در این باره نوشتیم و با استدلال ثابت کردیم که اولاً این آیه ارتباطی با همسران پیامبر علیه السلام ندارد و مخصوص اهل‌بیت آن‌حضرت است و اینکه اینجا آمده، حکمی داشته و بیان‌گر نکته‌ای است و باید همین جا می‌آمده است. توضیح این مطالب را مفصل در آن کتاب داده‌ام. با یک توسل این مشکل ما برای همیشه حل شد و امیدواریم که برای دیگران نیز مفید باشد. مقصود این است که اگر کسی در خانه این کریمه اهل‌بیت علیها السلام برود، دست خالی برنمی‌گردد. (منبع: پرتوی از روی دوست، کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام)

- عنایت ویژه حضرت معصومه علیها السلام به بیمار مبتلا به حصبه**

آیت‌الله سید عزالدین زنجانی علیه السلام می‌فرماید: روزی به مریضی حصبه دچار شدم. حالم بسیار وخیم بود. در مدت مریضی، مرحوم حضرت امام و آیت‌الله آقا سیداحمد زنجانی علیهما السلام خیلی در حق من بزرگواری نموده و بیش از اندازه لطف کردند. مرض آن‌قدر شدید بود که به‌حد یأس رسیده بودم. شنیده بودم، نمازی هست به‌نام عبدالرحیم قصیر که برای بر آوردن شدن حاجات و رفع گرفتاری‌ها مؤثر است. گفتم چه خوب است، کسی این نماز را برایم بخواند؛ چون ادابی داشت که خودم نمی‌توانستم آن را انجام دهم. حضرت امام خمینی علیه السلام وقتی می‌شنوند، من چنین تقاضایی دارم، با اینکه نسبت به روایت‌کننده آن خبر اشکال داشتند، در عین حال برای انجام خواسته من، بزرگواری کرده بودند و این نماز را با تمام آدابش خوانده بودند و ظاهراً حرم مطهر رفته و آنجا خوانده بودند. خدا شاهد است، ایشان شب این نماز را می‌خواند و فردای آن حالم رو بهبود می‌رود و شفای کامل پیدا می‌کنم. این نماز در حاشیه مفاتیح‌الجنان آمده است. شخصی به‌نام عبدالرحیم قصیر خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد و عرض می‌کند: فدایت شوم! برای رفع گرفتاریم، دعایی اختراع کرده‌ام. امام او را از خواندن آن دعا باز می‌دارد و دستورالعملی برای برطرف شدن گرفتاری‌ها و برآورده شدن حاجت‌هایش می‌دهد که آن دستورالعمل مشتمل بر غسل و دو رکعت نماز و سجده‌های طولانی است. (منبع: پیام انقلاب، ش ۵)

افوجوزة

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۹۷
- دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۳۲
- ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

<div><div> </div></div>
<div> <ul style="list-style-type: none">صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضاستمی سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۳۲۹۰۱۵۲۳ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵ پارک‌گاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم (۴۱) ۶۵۵۸۶۸۰ </div>

شعرمناسبتی

نگین قم

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی

شهرها انگشت‌زند و «قم»، نگین

قم، همواره حَجّت روی زمین

تربت قم، قبله عشق و وفاست

شهر علم وشهر ایمان و صفاست

مرقد معصومه علیها السلام چشم شهر ما

مهر او جان‌های ما را کهربا

دختری از اهل‌بیت علیهم السلام آفتاب

وارث درِ حیا، گنج حجاب

در حریمش مرغ دل پر می‌زند

هر گرفتار آمده، در می‌زند

هر دلی اینجاست مجذوب حرم

جان، اسیر رشته جود و کرم

این حرم باشد ملائک را مطاف

زائران را ارمغان، عشق و عفاف

دیده پاکان به قبرش دوخته

عصمت و پاکی از آن آموخته

حوزه قم هاله‌ای برگرد آن

فقه و احکام خدا را مرزبان

قم همیشه رفته راه مستقیم

بوده در مهّد هدایت‌ها مقیم

شهر خون، شهر شرف، شهر جهاد

شهر فقه و حوزه، علم و اجتهاد

هرکجا را هر چه سیرت داده‌اند

اهل قم را هم بصیرت داده‌اند

نقطه قاف قیامند اهل قم

برق تیغ بی‌نیامند اهل قم

اهل قم ز اَوّل ولایت داشتند

در دل و در دیده آیت داشتند

اهل قم از یاوران «قائم»‌اند

در قیام و پیشش دانستند

دختر موسی بن جعفر علیه السلام را درود

کز عنایتش تراوید این سرود

یادداشت

	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	
<div><div> </div></div>	

در هر موضوعی آن‌قدر کتاب هست که انسان گیج می‌شود. حتی کتاب‌های قدیمی در موضوعات مختلف، از استاد در این زمینه به‌نمود خواستم.

استاد گفت: پیش از هر چیز باید «سیر مطالعاتی» داشته باشی و کتاب خواندن‌هایت بر اساس هدف باشد؛ نه هر کتابی که به دست آمد.

گفتم: مثلاً در چه موضوعاتی؟ و از کجا شروع کنم؟ استاد گفت: قبلاً درباره انتخاب موضوع و رشته صحبت کردیم که باید «اولویت»‌ها را بشناسی و آنچه که مهم‌تر و لازم‌تر است؛ البته استعدادشناسی و علاقه و زمینه هم در اشخاص فرق می‌کند. باید ببینی در چه رشته‌ای آمادگی و علاقه بیشتری دارد.

گفتم: مثلاً در زمینه تاریخ یا تفسیر از کجا و چه کتابی شروع کنم؟

استاد گفت: در هر رشته‌ای یک سلسله از کتاب‌ها «منبع» و «اصلی» هستند که مادر کتاب‌های دیگرند. باید کتاب‌های مادر را بشناسی. اگر «به‌گزینی» و انتخاب شایسته نکنی، عمرت هدر می‌رود. یک وقت می‌بینی، انبوهی از کتاب‌های دست دوم، سطحی و غیر اصل را خوانده‌ای؛ ولی به کتاب‌های مادر اصلاً مراجعه نکرده‌ای و این یک خسارت است.

گفتم: از کجا آن کتاب‌ها را بشناسم؟ من که احاطه ندارم.

استاد گفت: احسنت، کلید کار همین‌جاست. قرآن هم می‌فرماید: «فاسئلوا اهل الذکر…»، در هر موضوعی از اهلش و از کارشناس و خبر آن رشته بپرس. کسی که عمری در تفسیر یا تاریخ سپری کرده یا متخصص در حدیث و عقاید است، او بهتر می‌تواند، راهنمایی کند که کتاب‌های عمده و مرجع و اصلی در هر یک از این رشته‌ها کدام است.

گفتم: من برای روضه و مرثیه در آخر منبر، از فلان کتاب استفاده می‌کردم، کسی به من گفت: آن متصل اصلاً معتبر نیست.

استاد گفت: دقیقاً همین‌طور است. اگر از اهلش نپرسی، چه‌بسا مدتی بیراهه بروی و از منابع عمده بی‌خبر بمانی. چه خوب گفت آن شاعر که:

برداشت‌هایم آنچه بگذاشتنی است

بگذاشته‌ایم آنچه برداشتنی است